

بررسی آگاهی فراگیران ایرانی زبان انگلیسی نسبت به مفهوم شهروندی دیجیتال و به کارگیری آن: پژوهش قوم‌نگارانه در فضای اینترنت^۱

خدیجه کریمی علویجه^۲

عاطفه عبدالهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

سرعت فزاینده پیشرفت فناوری و به کارگیری روزافزون خدمات و ابزار اینترنتی در برنامه‌های آموزشی، شبکه‌های اجتماعی، خدمات شهری و مانند آن‌ها، آشنایی با روش‌های درست به کارگیری فناوری را به نیازی بنیادین تبدیل نموده است. در این میان، آگاهی از مفهوم فرانونین شهروندی دیجیتال، برای همه کاربران فضاهای مجازی، به ویژه فراگیران زبان‌های خارجی که در مواجهه با بیناکنش سایبری با گویشوران سایر زبان‌ها هستند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. شهروندی دیجیتال، به معنای بنیادهای رفتاری مناسب و مسئولانه در به کارگیری

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.32074.1887

^۲ دکتری تخصصی آموزش زبان انگلیسی، استادیار گروه زبان انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء (نویسنده

مسئول)؛ karimi@alzahra.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه الزهراء؛

a.abdolah@student.alzahra.ac.ir

فناوری است که با مفاهیمی چون دغدغه‌های اخلاقی، بهره‌گیری کارآمد از فناوری و آموزش‌های مرتبط با آن سر و کار دارد. از این جهت، شهروندی دیجیتال از بایسته‌های آموزش فناورانه به شمار می‌آید، اما هنوز مورد توجه و پژوهش بسنده قرار نگرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر برای بررسی میزان آگاهی فراگیران زبان انگلیسی ایرانی، از بنیادهای شهروندی دیجیتال و به‌کارگیری آن با روش قوم‌نگاری اینترنتی (نتنوگرافی) انجام شده است. به این منظور، سه گروه دانش‌آموزی که در پیام‌رسان اجتماعی تلگرام به وسیله فراگیران زبان انگلیسی برای هدف‌های آموزشی ایجاد شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری داده از دو روش مشاهده گروه‌های تلگرامی همراه با عضویت یکی از پژوهشگران در گروه‌ها و مصاحبه با اعضای گروه بهره گرفته شد. به طور کلی، هفتصد صفحه نمایش از داده‌ها در یک‌سال گردآوری شد و ده نفر از فراگیران مورد مصاحبه قرار گرفتند. بر پایه رویکرد نظریه زمینه و با کمک روش تحلیل کیفی داده، داده‌های به‌دست آمده از مشاهدات گروه‌های تلگرامی و مصاحبه‌ها در چندین مرحله شماره‌گذاری و موضوع‌بندی شدند. سپس، الگوهای به‌دست آمده در قالب موضوع‌های اصلی و فرعی گوناگون گروه‌بندی گردیدند. یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها نمایانگر آن بود که زبان‌آموزان ایرانی، با وجود بهره‌گیری بسیار از شبکه‌های اجتماعی، از هنجارهای شهروندی دیجیتال آگاهی چندانی ندارند. آن‌ها در به‌کارگیری درست امکانات مجازی دچار اشتباه و رفتار ناپسند می‌شوند. یافته‌های پژوهش، توجه سرپرستان آموزش زبان انگلیسی را به بایستگی آموزش اصول و هنجارهای شهروندی دیجیتال به فراگیران زبان انگلیسی کشاند تا فضای مجازی هوشیارانه به کار گرفته شوند و از پیامدهای ناپسند و ناگواری‌های محیط‌های مجازی، در امان باشند.

واژه‌های کلیدی: شهروندی دیجیتال، فضای مجازی، آموزش زبان انگلیسی، پژوهش قوم‌نگارانه در فضای اینترنت، تحلیل محتوای کیفی

۱. مقدمه

با رشد و پیشرفت کاربرد فناوری در آموزش زبان انگلیسی، شاهد روی کار آمدن بومی‌های دیجیتال^۱ (Prensky, 2001) هستیم؛ فراگیرانی که از ابتدای زایش با فناوری دیجیتال آمیخته و

^۱ digital natives

سازگار شده‌اند. زندگی آن‌ها با گونه‌های مختلف ابزارهای دیجیتال مانند رایانه، گوشی هوشمند، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، تصویر و فیلم و اسباب بازی‌های دیجیتال همراه است (Jones, 2015). این دودمان، به راحتی راه‌های بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال را فرامی‌گیرند و از پیچیدگی‌ها و ناگواری‌های احتمالی آن‌ها ترسی ندارند (Kirschner & Karpinski, 2010). بخش گسترده این شیوه زندگی در فضای مجازی سپری می‌شود، و سلامتی، رشد شناختی، عاطفی و اخلاقی افراد بسیار الهام‌گرفته از فضای دیجیتال (Ribble & Miller, 2013) است. بر پایه این شیوه زندگی، علاوه بر قواعد و قوانین شهروندی که برای ایجاد نظم، امنیت و رفاه در تعاملات و روابط اجتماعی و بین‌المللی ایجاد شده‌است، بر نهادن قوانینی سازگار با شهروندی دیجیتال نیز لازم به نظر می‌رسد. این ضرورت، مبنای ایجاد مفهوم شهروندی دیجیتال است که به تازگی و با افزایش کاربرد فناوری در آموزش، در گردهمایی‌های آموزش زبان انگلیسی ارائه شده‌است.

شهروندی دیجیتال، به معنای «هنجارهای رفتاری مناسب و مسئولانه در به کارگیری فناوری» (Ribble, 2011, p. 10) است. شهروندی دیجیتال، بر این پایه استوار است که آموزش در دوره دیجیتال محدود به انتقال دانش و راهبردهای بهره‌گیری از فناوری نیست. بلکه رسالت آموزش، آماده ساختن فراگیران برای زندگی پیچیده‌ای است که نیاز به مهارت‌های گوناگون و متنوع از جمله مهارت استفاده درست از فناوری دارد (Ribble, 2015; Lee, 2017). در آموزش زبان انگلیسی، سهم چشم‌گیری از یادگیری به کمک نرم‌افزارها و برنامه‌های دیجیتال رایگان انجام می‌گیرد. از این ویژگی، همواره به عنوان یکی از برتری‌های آموزش الکترونیک یاد می‌شود (Marandi, et al., 2015). در این شرایط، پرسش اساسی آن است که آیا فراگیران زبان انگلیسی، نسبت به مهارت‌های به کارگیری درست، کارا و مسئولانه از فناوری دیجیتال آگاهی کافی دارند و در عمل این مهارت‌ها را به کار می‌گیرند؟

تأکید بر آگاهی از هنجارهای شهروندی دیجیتال، فقط به دلیل استفاده بهینه از فناوری نیست، بلکه یک بایستگی اجتناب‌ناپذیر، اطلاع‌رسانی در پیوند با ناگواری‌ها و پیامدهای منفی استفاده نامناسب از این فضا است (Hollandsworth et al., 2011). به دلیل دسترسی آسان و رو به افزایش فراگیران به فناوری دیجیتال، استفاده نامناسب و ناآگاهانه از این فضای به شدت تأثیرگذار گسترش می‌یابد (Ribble, Baily & Ross, 2004, Ribble & Bailey, 2006; Ribble, Baily & Ross, 2004; Ribble, 2006; Jensen, 2008). این امر، ضرورت آموزش چگونگی بهره‌گیری درست و آسوده از آن را برای زبان‌آموزان دوجندان نموده‌است (Padron

(et al., 2018). به بیان دیگر، شهروندی دیجیتال فقط یک نام برای مجموعه‌ای از قواعد رفتاری در فضای مجازی نیست، بلکه موضوع جدیدی است که به سرعت بر دانش‌آموزان، آموزگاران، والدین و بیشتر افراد در حال اثرگذاری مستقیم است (Snyder, 2016). بر خلاف اهمیت موضوع، تا کنون پژوهش‌های محدودی به آن پرداخته‌اند (Hollandsworth et al., 2011; Ribble, 2011). در این راستا، پژوهش حاضر با به کارگیری روش قوم‌نگاری اینترنتی^۱ در پی بررسی چگونگی آگاهی فراگیران ایرانی زبان انگلیسی از مفهوم شهروندی دیجیتال و به کارگیری آن است.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، نخست پژوهش‌های بنیادی که منجر به ایجاد چارچوب نظری مفهوم شهروندی دیجیتال گردیده‌اند، به صورت گزیده مرور می‌شود. سپس، نمونه‌هایی از پژوهش‌های تجربی که بر مبنای چارچوب‌های نظری موجود انجام شده‌اند معرفی می‌گردند.

۲.۱. پژوهش‌های زیربنایی نظری

۲.۱.۱. شهروندی دیجیتال و ویژگی‌های آن

اصطلاح شهروندی دیجیتال، برای نخستین بار به وسیله مایک ریبیل (Mike Ribble, 2004) به کار گرفته شد که به معنای اصول رفتاری مناسب و مسئولانه در به کارگیری فناوری است. ریبیل (همان) در ادامه پژوهش‌های خود، در سال ۲۰۱۱، نه ویژگی اساسی زیر را برای شهروندی دیجیتال برشمرد که در سراسر جهان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت:

یکم- آداب دیجیتال که به معنی استانداردهای رفتار در فضاهای برخط یا به هنگام استفاده از فناوری است. این آداب اغلب قواعد نانوشته‌ای هستند که به سرعت تغییر می‌کنند و ممکن است از یک فضای برخط به فضای دیگر و از یک گروه کاربر به گروه دیگر یا از نسلی به نسل دیگر متفاوت باشند. مانند بهره‌گیری از گوشی همراه در هنگام گفت‌وگوی رو در رو. آداب دیجیتال از سوی والدین به فرزندان آموزش داده نمی‌شوند، بلکه والدین و فرزندان همزمان با یکدیگر آن‌ها را می‌آموزند. در موقعیت‌های یادگیری زبان انگلیسی، دانستن این آداب به ویژه برای پرهیز از گسست ارتباط، بازنمایی اشتباه و نسبت نادرست دادن ضروری به نظر می‌رسد.

دوم- قانون‌های دیجیتال که به مسئولیت‌های حقوقی ناشی از فعالیت‌های دیجیتال اشاره داشته‌است. موضوع‌هایی مانند به اشتراک نهادن یا بهره‌گیری از فرآورده‌های دارای حق مالکیت

¹ netnography

معنوی، رخنه‌گری در سامانه‌ها، برسازي هويت مجازی یا فرستادن تصویرهای ناروا را در بر می‌گیرد. جابه‌جایی آثار دارای حق مالکیت معنوی در فضاهای آموزش زبان انگلیسی رایج است.

سوم- ارتباط دیجیتال، هر نوع ارتباطی را شامل می‌شود که وسیلهٔ ایجاد آن ابزار دیجیتال از جمله گوشی همراه، تبلت، رایانامه، پیام‌های ارسالی از شبکه‌های پیام‌رسان و مانند آن باشد. در کلاس‌های آموزش زبان و دیگر محیط‌های آموزشی، استفاده از این ابزارها به سبب آشفستگی در تمرکز دانش‌آموزان و برهم زدن نظم کلاس، ممکن است ناروا یا محدود گردد.

چهارم- سواد دیجیتال که به مفهوم آموزش و یادگیری فناوری و مهارت‌های بهره‌گیری از آن است، اغلب روشن انگاشته شده و آموزش داده نمی‌شود. ایجاد این مؤلفه در بین فراگیران زبان انگلیسی به سبب فراوانی منبع‌ها، وب‌گاه‌ها و برنامه‌های انگلیسی بسیار مهم است.

پنجم- خرید و فروش دیجیتال که مستقیماً در پیوند با محیط‌های آموزشی نیست اما با فراگیر شدن این نوع داد و ستدها، زبان‌آموزان را نیز درگیر کرده‌است.

ششم- حقوق و مسئولیت‌های دیجیتال که اندازهٔ برخورداری و امتیازهای کاربران و رفتارهای پیش‌بینی‌شدهٔ آن‌ها را در بر می‌گیرد. چارچوب‌های بهره‌گیری از منبع‌های زبان اصلی برخط برای یادگیرندگان زبان انگلیسی در پیوند با این ویژگی، بررسی می‌گردد.

الف) سلامتی جسمی و روحی که آسیب‌های ناشی از استفاده نادرست یا تندیروانه از فناوری را گوشزد می‌نماید، مانند ضعف بینایی و درد مچ.

ب) امنیت دیجیتال که به معنی بهره‌گیری از چاره‌اندیشی مناسب برای در امان ماندن در محیط‌های مجازی است و آموزش آن‌ها به طور ویژه در دوره‌های آموزش زبان به کمک فناوری ضروری است.

پ) دسترسی دیجیتال که به توانایی فراگیران برای مشارکت کامل در گردهمایی‌های دیجیتال اشاره دارد. این توانایی ممکن است به سبب موقعیت اجتماعی-اقتصادی، محل زندگی یا نقص جسمانی محدود گردد.

۲.۱.۲. استانداردهای شهروندی دیجیتال انجمن بین‌المللی فناوری در آموزش

ISTE¹

انجمن بین‌المللی فناوری در آموزش که ناشر آثار مرتبط با شهروندی دیجیتال است، در سال ۲۰۰۸، منشور استانداردهای شهروندی دیجیتال را به طور جداگانه برای آموزگاران و دانش‌آموزان فراهم نمود. این استانداردها برای آموزگاران، مشتمل بر موارد زیر بود:

¹ The International Society for Technology in Education (ISTE)

یکم- آموزگاران به مسایل اجتماعی که در بستر فرهنگ دیجیتال در سطح‌های محلی و جهانی شکل می‌گیرد، آگاه باشند و در فعالیت‌های حرفه‌ای خود رفتار اخلاقی و قانونی مناسب به کار گیرند.

دوم- علاوه بر کوشش در بهره‌گیری اخلاقی، قانونی و آسوده از اطلاعات و فناوری دیجیتال- شامل حق نشر، مالکیت معنوی و مستندسازی درست منبع‌ها- این موضوع‌ها را آموزش داده، الگوسازی نمایند.

سوم- با به کارگیری راهکارهای دانش‌آموز-محور، پاسخ‌گوی نیازهای همه دانش‌آموزان باشند و زمینه دسترسی برابر آن‌ها به ابزارها و منابع دیجیتال را فراهم نمایند.

چهارم- آداب و بیناکنش‌های اجتماعی مسئولانه را در پیوند با بهره‌گیری از فناوری و اطلاعات، تقویت و الگوسازی کنند.

پنجم- در هم‌کنش با همکاران و دانش‌آموزان سایر فرهنگ‌ها که به کمک ابزارهای ارتباطی دیجیتال انجام می‌گیرد، تفاهم فرهنگی و هوشیاری جهانی خود را افزایش داده و از آن الگوسازی نمایند.

به طور مشابه، منشور شهروندی دیجیتال برای دانش‌آموزان با شاخص‌های زیر به وسیله‌ی آی. اس. تی. ای (ISTE, 2007) ارائه گردید:

الف) دانش‌آموزان به مسایل انسانی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با فناوری آگاه باشند و رفتار اخلاقی و قانونی به کار گیرند.

ب) در بهره‌گیری اخلاقی، قانونی و ایمن از اطلاعات و فناوری دیجیتال بکوشند.

پ) نسبت به استفاده از فناوری رویکرد مثبتی داشته باشند تا سبب افزایش همکاری، یادگیری و سازندگی گردد.

ت) مسئولیت‌پذیری فردی را که سبب یادگیری همیشگی شود، ظهور و بروز دهند.

ث) شهروندی دیجیتال را مدیریت نمایند.

۲. ۱. ۳. چارچوب سه‌سین^۱ شهروندی دیجیتال

چارچوب نظری دیگری که برای شهروندی دیجیتال طراحی شده است مربوط به پرویت-منتل (Pruitt-Mentle, 2000) است که شامل سه مفهوم امنیت سایبری^۲، مصونیت سایبری^۳ و

^۱ c3 framework

^۲ cybersafety

^۳ cybersecurity

اخلاق سایبری^۱ است. مؤلفه امنیت، به چگونگی استفاده بی خطر و ایمن از فضاهای مجازی با به کارگیری دوراندیشی هایی مانند بهره گیری از وب گاه های مورد اعتماد و ایجاد گذرواژه برای اطلاعات شخصی پرداخته و مؤلفه حفاظت سایبری استفاده از ویروس کش، به روزرسانی برنامه ها را پیشنهاد نموده است. اخلاق سایبری به بایدها و نبایدهای رفتاری بر خلاف آزادی های موجود در فضای مجازی و پیامدهای فردی و اجتماعی آن پرداخته است.

۲.۲. مفهوم شهروندی دیجیتال در پیوند با برخی موضوع های اساسی

مفهوم شهروندی دیجیتال راه خود را به موضوع های گوناگون زندگی کنونی بشر و شاخه های مختلف علم باز کرده است. در این مقاله، به سه محور اساسی که با ماهیت پژوهش کنونی و یافته های آن ارتباط نزدیک دارد، اشاره می گردد.

۲.۲.۱. آموزش و پرورش

به باور بسیاری از صاحب نظران، استفاده نادرست دانش آموزان و دانشجویان از فناوری چالشی جدی برای محیط های آموزشی و رشد روانی و اجتماعی دانش آموزان شده است (Ribble, 2006; Ribble & Bailey, 2004; Ribble & Bailey, 2005; Ribble & Miller, 2004; Bailey, 2006; Ribble, Bailey & Ross, 2004). در این راستا، میلر (Miller, 2013) معتقد است که دانش آموزان از ابزار دیجیتالی استفاده می کنند که برای بزرگسالان ساخته شده اند. این امر نیازمند آن است که از جنبه مهارت های ارتباطی بین فردی زودتر پخته شوند و بتوانند بین زندگی واقعی و مجازی خود سازگاری برقرار نمایند. ایجاد این مهارت نیازمند ورود نظام های آموزشی به تدریس شهروندی دیجیتال است و بیشتر کشورها در حال بررسی و سرمایه گذاری روی این موضوع هستند (Snyder, 2016; Kennedy, et al., 2008).

۲.۲.۲. اخلاق

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که حقوق و مسئولیت های دیجیتال به عنوان هسته اصلی رفتار اخلاقی نیاز به تعریف و ارزش گذاری دارد (Bailey & Ribble, 2007; Ohler, 2012). (Coleman, 2006). مبحث هایی مانند حق آزادی بیان، حفظ حریم خصوصی، نگهداری از حق مالکیت معنوی، احترام به هویت و شخصیت افراد و جوامع، گزارش زورگیری و آسیب های

¹ cyberethics

اینترنتی و موارد مشابه از بایسته‌های آموزشی برای دانش‌آموزان هستند. همه کاربران، به عنوان شهروندان دیجیتال، باید به حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه باشند تا بتوانند فراتر از مرزهای جغرافیایی از آن‌ها پاس‌داری نمایند (Robb & Shellenbarger, 2013; Choi, 2015). با وجود اهمیت رعایت این مسئولیت‌های اخلاقی، به باور برخی از پژوهشگران (Assumpcao & Sleiman, 2011; Flores & James, 2013) بیشتر افراد در رعایت اخلاق شهروندی در محیط دیجیتال ماندگاری و پایداری ندارند. چرا که عمیقاً باور ندارند که فضای مجازی نیز مانند فضای واقعی، بایسته‌های اخلاقی خود را دارد.

۲.۲.۳. سواد

بسیاری از صاحب‌نظران، مهمترین نیاز شهروندی دیجیتال را داشتن سواد دیجیتال می‌دانند (Dede, 2009; Bennett & Fessenden, 2006; Simsek & Simsek, 2013; Hicks, 2011). سواد دیجیتال به معنای «توانایی تشخیص نیاز به اطلاعات و دانش چگونگی دستیابی، ارزیابی، ترکیب و تبادل آن» (Moller et al., 2011, p. 32) ضرورت تحصیل مهارت‌های لازم برای یادگیری و ارتباط در دنیای کنونی را اساسی می‌شمارد. با رشد شتابان فناوری‌های دیجیتال و ورود رسانه به همه پهنه‌های زندگی، سواد رسانه نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های سواد دیجیتال، در پیوند مستقیم با نیازهای شهروندان دیجیتال مطرح شده است (Alvermann & Haggod, 2000). همچنین، داشتن سواد رسانه، قدرت انتقاد از صاحبان قدرت و بلندگوهای تبلیغی و دادرسی حقوق شهروندی را بالا می‌برد و برای تفکر انتقادی در دوره دیجیتال ضروری به نظر می‌رسد (Burgess, Price, & Caverly, 2012; Bukingham, 2007).

۲.۳. پژوهش‌های تجربی

نخستین پژوهش‌های تجربی در پیوند با ضرورت آموزش مفهوم شهروندی دیجیتال در مراکز آموزشی به وسیله ریبیل (Ribble, 2006)، نظریه پرداز اصلی این مفهوم، انجام شد. ریبیل با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه‌های غیر رسمی با شمار بسیاری از صاحب‌نظران آموزش دریافت که آداب و ضوابط شهروندی دیجیتال باید به شکل مؤثر در برنامه آموزشی مدرسه‌ها گنجانده شود. وی می‌افزاید که منبع‌های آموزشی برابر با این محتوا و آموزش باکیفیت مهارت‌های مورد نیاز، حلقه گمشده آموزش و پرورش مدرسه‌ها است.

بررسی دیگری به صورت شبه‌تجربی^۱ بین دو گروه نمونه و آزمایش در چارچوب ویژگی‌های نه‌گانه ریبل (Ribble, 2011) انجام شد. در این پژوهش، بویل (Boyle, 2010) برنامه آموزشی را بر پایه مفهوم شهروندی دیجیتال طراحی کرده و بر روی گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان اجرا نمود. آزمون‌های انجام‌شده و مشاهدات نامحسوس عملکرد دو گروه نمایانگر رشد چشم‌گیر مهارت‌های شهروندی دیجیتال در میان گروه آزمایش، در هر نه مؤلفه در چارچوب نظری ریبل بود. با رشد مفهوم شهروندی دیجیتال، متغیرهای بیشتری در پژوهش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفتند. لیونز (Lyons, 2012) رابطه میان متغیرهای پایه تحصیلی و جنسیت را با شهروندی دیجیتال، زورگیری اینترنتی، واریسی والدین و امنیت فردی در میان ۱۸۵۱ دانش‌آموز دختر و پسر کلاس‌های پنجم، هفتم، نهم و یازدهم بررسی نمود. بر پایه یافته‌های به‌دست‌آمده، پسران بیش از دختران و دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر تحصیلی بیش از پایه‌های پائین‌تر دچار سرپیچی امنیت فردی و استفاده نادرست از فضای دیجیتال می‌شدند. واریسی والدین بر هر دو جنسیت یکسان بود اما در پایه‌های تحصیلی پائین‌تر بیشتر بود. لیونز (Lyons, 2012) به‌طور کلی معتقد است با افزایش سن، ناگوارای‌های فضای دیجیتال بیشتر می‌شود.

در یک پژوهش با روش ترکیبی^۲، آشمید (Ashmeade, 2016) دیدگاه‌های آموزگاران در مورد شهروندی دیجیتال و تأثیر آن بر پیشرفت شغلی را مورد بررسی قرار داد. پس از ارائه آموزش‌های لازم در زمینه شهروندی دیجیتال، طرح درس‌ها، پاسخ‌های داده‌شده به نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌های غیررسمی با ۲۲ نفر شرکت‌کننده بررسی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان پس از گذراندن دوره، موضوع‌های آموزشی را در کلاس به کار می‌برند. توانایی انتقال مفاهیم شهروندی دیجیتال به دیگران و اعتماد به نفس برای استفاده از فناوری ۱۵ درصد افزایش یافت. همچنین، همکاری میان اعضا برای به کار بستن مؤثرتر فناوری در کلاس‌ها تقویت شد.

پاین (Payne, 2016) بررسی موردی دیگری را در قالب چارچوب پرویت-منتل (Pruitt-Mentle, 2000) برای آشنا نمودن دانش‌آموزان با شهروندی دیجیتال به وسیله معلمان انجام داد. واکاوی داده‌های بر گرفته از طرح درس‌های معلمان، مشاهدات کلاسی و مصاحبه‌های انجام‌شده با ایشان یافته‌هایی را به دست داد. بر پایه این یافته‌ها، آموزگاران که آشنایی پیشین با برنامه درسی مبتنی بر شهروندی دیجیتال نداشته‌اند و به اهمیت آن واقف نبوده‌اند، اما پس از دریافت آموزش‌های لازم از این نوع برنامه‌ریزی استفاده نمودند. به باور وی، استانداردهای

¹ quasi-experimental

² mixed method

فناوری مدارس و قواعد شهروندی دیجیتال باید متناسب با پیشرفت‌های سریع فناوریانه به‌روزرسانی شوند تا برای مخاطبین آموزشی قابل پذیرش و جالب باشند.

بررسی اسناد بالادستی آموزش و پرورش در ایران، نمایانگر آن است که پیشرفت سواد فناوری آموزگاران بخشی از سیاست‌های کلان کشور قرار گرفته‌است و توجه به آن در برنامه درسی ملی در حوزه تربیت نیرو و یادگیری کار و فناوری چشم‌گیر بوده‌است (Kohestani, Nejad Tari, Abazari, & Mirhoseini, 2018). با این وجود، نگارندگان مقاله حاضر در پیوند با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مفهوم و کارکرد شهروندی دیجیتال - که گسترده‌تر از سواد دیجیتال و دربرگیرنده آن است، پژوهشی نیافتند. همچنین، پژوهش‌های بسیاری، راهکارهای فناوریانه آموزش زبان و برتری آن‌ها را به روش‌های سنتی معرفی کرده‌اند (Emadi, S. R., Hoomanfar, & Rahimi, 2018; Vakilifard, A., & Farkhondeh, Y. 2018). هر چند، ضرورت‌های شهروندی دیجیتال در آموزش فناوریانه همچنان رها شده و نیازمند بررسی است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت داده‌ها که در فضای مجازی ایجاد و مشاهده شده‌اند، به روش قوم‌نگاری اینترنتی انجام شده‌است. این روش، نوعی پژوهش قوم‌نگارانه است که رویکرد آن نسبت به پژوهشگر مشاهده‌کننده-مشارک^۱ و محیط آن فضای برخط است (Kozinets, 2010). به بیان دیگر، این نوع قوم‌نگاری در پاسخ به «تفاوت‌های زیرساختی» میان فضای مجازی و واقعی مانند «ماهیت و ویژگی‌های تعامل افراد، گم‌نامی نسبی شرکت‌کنندگان، توانایی دسترسی به محل شرکت‌کنندگان و امکان ثبت جزئیات فعالیت‌ها» در فضای مجازی ایجاد شده‌است (Kozinets, 2010, p. 48). از جنبه روش‌شناسی، قوم‌نگاری اینترنتی تفاوت عمده‌ای با قوم‌نگاری سنتی ندارد، به جز آنکه، فعالیت‌های شرکت‌کنندگان در پهنای فضای مجازی انجام می‌شود و تحلیل‌ها باید متناسب با این فضا صورت گیرد.

۳.۱. محیط پژوهش

داده‌های این پژوهش در پیام‌رسان اجتماعی تلگرام گردآوری شد. تلگرام، یک پیام‌رسان فوری است که قابل کارگذاری بر روی انواع سیستم‌عامل‌های تلفن همراه، لپ‌تاپ و تبلت بوده و

¹ participant observer

توانایی ارسال سریع متن و فایل‌های صوتی، تصویری و ویدیویی را دارد. حساب کاربری در تلگرام بر پایه شماره همراه قابل ایجاد است، هر چند ارسال پیام به حساب‌های افراد عضو یک گروه بدون دانستن شماره همراه ایشان امکان‌پذیر است. این قابلیت‌ها تلگرام را ابزار پرکاربردی برای بیناکنش‌های روزانه غیر رسمی و ارتباطات رسمی و آموزشی بین ایرانیان نموده است (Khodabandeh, 2017).

۳.۲. شرکت‌کننده‌ها

در این پژوهش، فراگیران زبان انگلیسی دختر و پسر که عضو سه گروه تلگرامی بودند، در مراحل مشاهده و مصاحبه مشارکت نمودند. این فراگیران در رده سنی ۱۵ تا ۲۲ سال بودند و ملاک انتخاب ایشان دسترسی به گروه‌های ایشان بود. گروه اول و دوم، عمومی و به ترتیب دارای ۳۵۰ و ۷۴۱ عضو از سراسر ایران بودند. گروه سوم، خصوصی و دارای ۳۵ عضو بود. ۱۰ نفر از اعضای این سه گروه که مایل به همکاری بودند، در مصاحبه نیز شرکت نمودند. مصاحبه‌شوندگان همگی، دختر و دارای ویژگی‌های زیر بودند (همگی نام‌ها غیر واقعی هستند):

الف) فرناز: ۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی است که از گوشی همراه بیش از سایر ابزار دیجیتال استفاده می‌کند. او روزانه ۴ تا ۵ ساعت از فناوری دیجیتال برای سرگرمی یا جستجو و پژوهش در اینترنت استفاده می‌نماید.

ب) دینا: ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستانی است که از گوشی همراه، لپ‌تاپ و بیش از همه آی‌پد استفاده می‌کند. او روزانه حداقل ۶ ساعت از این ابزارها برای سرگرمی، ارتباط در شبکه‌های اجتماعی و کمتر از همه برای یادگیری استفاده می‌کند.

پ) ساره: ۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد است که بیش از سایر ابزارها از گوشی همراه، و برای هدف‌های کاری از لپ‌تاپ استفاده می‌نماید. او تقریباً در تمام طول روز، از این ابزارها برای جستجو در گوگل با هدف یادگیری به عنوان اولویت نخست و گوش کردن به موسیقی به عنوان اولویت دوم استفاده می‌کند.

ت) زهرا: ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستانی است که ۴ تا ۵ ساعت در روز از گوشی همراه و لپ‌تاپ استفاده می‌نماید. در طول سال تحصیلی این استفاده بیشتر جنبه آموزشی دارد اما در تعطیلات تابستان بیشتر سرگرمی و دانلود فیلم مورد نظر اوست.

ث) مینا: ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستانی است که حدود ۵ ساعت در روز از گوشی همراه برای سرگرمی‌هایی مانند دانلود موسیقی و فیلم و یا یادگیری زبان انگلیسی و موضوع‌های دیگر استفاده می‌نماید.

ج) سمیرا: ۱۵ ساله و دانش‌آموز مقطع راهنمایی است که حدود ۷ ساعت در روز از گوشی همراه خود برای پیوند به اینترنت و ارتباط با دوستان، جستجو در گوگل برای اهداف آموزشی و سرگرمی استفاده می‌کند.

چ) مریم: ۲۰ ساله و دانشجوی کارشناسی است که ۴ تا ۵ ساعت در روز از گوشی همراه و لپ‌تاپ استفاده می‌نماید. بیشتر فعالیت او در اینستاگرام، تلگرام یا گوگل است و از گوشی برای تماشای فیلم، بسیار استفاده می‌کند.

ح) هلنا: ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستانی است که حدود ۲ ساعت در روز از گوشی همراه برای ارتباط با دوستان، دانلود موسیقی و تماشای فیلم در تلگرام و اینستاگرام استفاده می‌نماید. در تعطیلات تابستان بیشتر ایکس‌باکس بازی می‌کند.

خ) آیلا: ۱۶ ساله و دانش‌آموز مقطع راهنمایی است که حدود ۲ ساعت در روز و ۵ روز در هفته از گوشی همراه و تبلت برای بازی یا تماشای فیلم استفاده می‌کند.

د) سپیده: ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستانی است که حدود ۲ ساعت در روز از گوشی همراه برای ارتباط با دیگران در تلگرام یا اینستاگرام و از لپ‌تاپ برای تماشای فیلم‌های آموزشی استفاده می‌نماید.

۳.۳. گردآوری داده

داده‌های این پژوهش از راه‌های مشاهده^۱، عضویت در گروه‌های مورد بررسی^۲، مصاحبه‌های شبه ساختارمند^۳، ضبط صفحات رایانه^۴، یادداشت برداری زمینه‌ای^۵ و یادداشت شخصی^۶ گردآوری شدند. این چندسونگری^۷ سبب یابی به یافته‌های ارزشمندتر می‌گردد. چرا که احتمال مداخله شانس و سوگیری که پیامد به‌کارگیری تنها یک روش است، به حداقل می‌رسد (Maxwell, 2004, p. 112). به این منظور، همه رفتارهای اعضای گروه‌های تلگرامی برگزیده، برای مدت یک سال مورد بررسی دقیق قرار گرفت. این رفتارها که در محتوای پست‌ها از جمله متن، تصویر، فایل صوتی، ویدیو، برچسب و صورتک‌های ارسالی قابل تجزیه و تحلیل بود به طور کامل ثبت و ضبط گردید. عضویت و مشارکت یکی از پژوهشگران در گروه‌های تلگرامی، پی‌گیری فعالیت‌ها

¹ observation

² participation

³ semi-structured interviews

⁴ screen recording

⁵ field notes

⁶ memos

⁷ triangulation

را دقیق‌تر می‌نمود و در پایان، به دخیره ۷۰۰ صفحه تصویر به عنوان بخشی از مستندات فعالیت‌های گروه‌های مورد اشاره منجر گردید. در هنگام مشاهده و مشارکت در فعالیت‌های گروه‌ها، دانش‌های زمینه‌ای که در پی حضور و بررسی تدریجی داده‌ها به دست آمده بود، به صورت یادداشت‌های زمینه‌ای ثبت گردیدند و در موارد گوناگونی در طرح پرسش‌های مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

برای جامع‌نگری بیشتر در گردآوری داده‌ها، اطمینان از برداشت‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های مرحله مشاهده و بررسی دقیق‌تر موضوعاتی که با مشاهده‌های گروه‌ها قابل دست‌یابی نبودند، ده نفر از شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه‌های شبه‌ساختارمند قرار گرفتند. این ده نفر، با استفاده از فراخوان درخواست همکاری در گروه‌های تلگرامی ابراز همکاری نموده بودند. پرسش‌های مصاحبه مشتمل بر اطلاعات شخصی، پرسش‌های راهبردی^۱ و نوحاسته^۲ بودند که با الهام از مدل شهروندی دیجیتال ریبیل (Ribble, 2011) و برای درک عینی‌تر بیشتر، به صورت سناریو طراحی شدند. برای نمونه، شرکت‌کننده در موقعیتی قرار می‌گرفت که نیاز به پرداخت وجه از یک درگاه با آدرس نامعتبر اما به ظاهر معتبر داشت. یا اینکه موقعیت کلاس وقتی سایر دانش‌آموزان بدون اجازه معلم خود از گوشی هوشمند برای رد و بدل پیام استفاده می‌کردند. هدف از این پرسش‌ها، بررسی مهارت‌های شهروندی دیجیتال در دو سطح آگاهی و اشراف به موضوع و به کار بستن آداب و قواعد مربوطه بود. برای اطمینان از اعتبار یافته‌های به‌دست‌آمده، پس از پایان یافتن هر مصاحبه درستی برداشت پژوهشگر دوباره با شرکت‌کننده بررسی شد (Tracy, 2013). همه مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا تلفنی برای مدت زمان ۳۰ تا ۴۵ دقیقه انجام شو و با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان به صورت صوتی ضبط شدند. لازم به اشاره است که همه داده‌های صوتی به‌دست‌آمده از فعالیت اعضا در گروه‌ها و مصاحبه‌ها از صوت به متن تبدیل شده، به همراه سایر داده‌های متنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. هر چند، برای اینکه پژوهش حاضر محدود و انجام‌پذیر باشد، داده‌های تصویری، ویدیویی و ویژگی‌های فرامتنی آن‌ها مورد بررسی قرار نگرفتند.

۴.۳. روش تحلیل داده

در این پژوهش، از نظریه زمینه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده‌است. روش زمینه‌ای مستلزم نگاه جزء به کل به داده‌ها و پرهیز از پیش‌دوری‌های متأثر از

¹ guiding questions

² emerging questions

ذهنیت پژوهشگر است (Charmaz, 2006) که با توجه به اهمیت تکیه بر داده‌های واقعی و پرهیز از پیش‌بینی یافته‌ها مبنای این پژوهش است. بر این اساس، داده‌های مستخرج از مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها طی مرحله‌های تحلیل محتوای کیفی به دقت بررسی شده و وارد مرحله‌های کدگذاری و مقوله‌بندی شدند. این مرحله‌ها شامل «کدگذاری مقدماتی، متمرکز و محوری»^۱ (Charmaz, 2006, p. 42) و استخراج مقوله‌ها بود که به صورت مختصر، شرح داده می‌شوند. در کدگذاری مقدماتی، همه داده‌های گردآوری شده از مشاهده‌ها، یادداشت‌ها، و بازگردان صوت به متن در گروه‌ها و مصاحبه‌ها چندین بار بررسی و بازخوانی شدند. در این مرحله، موضوع‌های اصلی و تشابه‌ها و تفاوت‌های پدیدار شده میان آن‌ها مبنای ایجاد گروه‌ها و زیرگروه‌های نخستین شدند. سپس، در مرحله کدگذاری متمرکز، الگوهای تکرار و لایه‌های معنایی گوناگون شناسایی شدند. بر این اساس، روابط بین طبقه‌ها و زیرطبقه‌های ایجادشده در مرحله مقدماتی نیز مشخص شده و کدگذاری‌های جدید بر اساس مقوله‌های به‌دست آمده انجام شد. پس از آن، در مرحله کدگذاری محوری، تمام مقوله‌های استخراجی با محوریت مفهوم شهروندی دیجیتال دوباره مورد بازبینی دقیق قرار گرفتند و مقوله‌های نهایی به همراه زیرمجموعه‌هایشان کدگذاری شدند.

به دلیل حجم بسیار داده‌ها، تعداد مقوله‌های استخراجی در ابتدا بسیار زیاد بودند. پس از طی مراحل گوناگون، بازبینی داده‌ها و مشابهت‌یابی بیشینه میان مقوله‌ها، تلاش شد مقوله‌ها مستقل و در عین حال مرتبط و حول محور موضوع پژوهش باشند. در پایان، برای مقوله‌های نهایی شده نمونه‌هایی از داده‌ها به عنوان نمونه فراهم شد تا تحلیل‌ها شفاف و مستند باشند. برای اطمینان از درستی تحلیل داده‌ها، علاوه بر دو پژوهشگر نویسنده این مقاله، ۱۰ درصد از داده‌ها به وسیله یک دانش‌آموخته دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی و متخصص روش تحقیق کیفی مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین، حدود ۸۵ درصد توافق درون‌موضوعی بین کدهای استخراجی از جنبه مفهومی وجود داشت که به عنوان شاخص قابل قبول «پایایی بین کدگذاران»^۲ (Strauss & Corbin, 2008, p. 156) به کار رفت.

۴. تحلیل و بررسی داده‌ها

تحلیل کیفی محتوای داده‌ها به دو دسته مقوله‌های به‌دست آمده از مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها منتهی شد که در این بخش به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

^۱ initial, focused and axial coding

^۲ intercoder reliability

۴. ۱. مقوله‌های به‌دست آمده از مشاهده‌ها

در بررسی پیکره به‌دست آمده از فعالیت‌های گروه‌ها، مقوله‌های آداب فضای مجازی، رفتارهای غیر دانشگاهی و پست‌های بیهوده یا غیرضروری شناسایی شدند (جدول (۱)) که در ادامه به همراه زیرمقوله‌هایشان بررسی می‌گردند.

جدول ۱. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج شده از مشاهده‌ها

دعوا و درگیری کلامی گفتار محاوره‌ای و کوچه‌بازاری گفتار توهین آمیز و بی ادبانه ادعاهای بی اساس رعایت آداب	آداب فضای مجازی ^۱
رفتار یا واکنش نامناسب اشتراک محتوای غیرقانونی گفتار ناامیدکننده نگارش نادرست یا ناقص واژگان	رفتارهای غیر دانشگاهی
بحث‌های انحصاری (دونفره) بیان خاطرات و رخداد‌های روزانه شوخی و جوک‌های ناب‌جا مخالفت با پست‌های بیهوده یا غیر ضروری	پست‌های بیهوده یا غیر ضروری

۴. ۱. ۱. آداب فضای مجازی

آداب رفتار در فضای مجازی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شهروندی دیجیتال است که در مدل‌های مختلف به آن پرداخته شده‌است. یکی از آشکارترین مقوله‌های استخراج شده از پیکره این پژوهش، رعایت نکردن این آداب بود که به شکل‌های گوناگون مانند دعوا و درگیری کلامی، گفتار محاوره‌ای، گفتار توهین آمیز و بی ادبانه، ادعاها و تعمیم‌های بی اساس مشاهده می‌شد. در مقابل، مواردی نیز از رعایت آداب فضای مجازی به چشم می‌خورد. در ادامه، به این زیرمقوله‌ها به صورت مختصر خواهیم پرداخت.

۴. ۱. ۱. ۱. کشمکش و درگیری کلامی

در موارد گوناگون، ابراز نگرش یکی از اعضای گروه منجر به بیان نظر مخالف و ایجاد درگیری لفظی می‌شد. گاهی این دعوا سایر کاربران را نیز درگیر نموده، تا ساعت‌ها ادامه می‌یافت. در

^۱ netiquette

نمونه زیر، درگیری کلامی پس از خرده‌گیری یکی از کاربران در پیوند با قرار دادن پرسش‌نامه‌های گوناگون مرتبط با پایان‌نامه‌ها در گروه، ایجاد شد:

۱. الف) گروه پر شده از این پرسش‌نامه‌ها، من که شخصاً مخالفم با این روش چون این اصلاً وسیله مناسبی نیست.

ب) این مزخرفا چیه؟ چرا کار بقیه رو زیر سؤال می‌بری؟ برو نظر متخصصا رو بخون....
گاهی کشمکش‌های کلامی آن‌قدر طولانی می‌شد که دیگر اعضا میانجی‌گری یا اعتراض می‌کردند. این در حالی است که معمولاً در گروه‌های پرجمعیت در فضای حقیقی، ادب جمعی مانع از کش‌دار شدن کشمکش‌های کلامی می‌شود. با همین نگرش، در آداب فضای مجازی، شکیبایی و بخشش یک‌دیگر پیشنهاد شده‌است (Shea & Shea, 1994).

۴. ۱. ۱. ۲. گفتار محاوره‌ای و کوچ‌بازاری

در گروه‌های مورد بررسی بیشتر اعضا، یک‌دیگر را نمی‌شناختند و به سبب هدف‌های آموزشی در گروه حضور داشتند. در برخی گروه‌ها، تعدادی از آموزگاران، مشاوران و سرپرستان نیز عضو بودند. بر پایه این ویژگی‌ها، به جا بود که زبان آموزان - مانند دنیای غیر مجازی - از بیان محترمانه و رسمی استفاده نمایند. با این وجود، پست‌هایی با محتوای مشابه نمونه‌های زیر به فراوانی دیده می‌شد:

۲. الف) کنکور و بی‌خیال، کار و بچسب...

ب) حاجی! مستی! مگه اینکه بچه مایه باشی...

پ) انحراف معیار یعنی چی؟

- هیچی، ولش....

۴. ۱. ۱. ۳. گفتار توهین‌آمیز و بی‌ادبانه

با وجود تأکید بر بیان مؤدبانه و حفظ احترام افراد در چارچوب‌های پیشنهادی شهروندی دیجیتال (Christensson, 2017)، در موارد گوناگونی زبان‌آموزان، یک‌دیگر یا افراد دیگر را با سرزنش و بی‌ادبی خطاب می‌کردند. سبب شگفتی بود که این بیان برای دیگر اعضای گروه غیرطبیعی نمی‌نمود. گویا، نوجوانان به این نوع واژه‌ها در گروه‌های مجازی خود عادت داشتند. از سوی دیگر، شاید چون بسیاری از کاربران با نام واقعی خود در گروه عضو نبودند، احساس راحتی بیشتری در به‌کارگیری اصطلاح‌هایی مانند موارد زیر می‌کردند:

۳. الف) از عکس پروفایلت قشنگ معلومه که بچه خرخونی.

ب) خفه شو فعلا.... بشین بینیم بابا.

پ) پشت سری من عین گاو بود عقده‌ای و گرنه تقلب می کردم.

۴. ۱. ۱. ۴. تعمیم‌ها و ادعاهای بی اساس

به کاربران پیشنهاد می شود که در فضای دیجیتال به حرف های خود دو بار فکر کنند (Scheuermann & Taylor, 1997) اما بسیاری از پست ها مشتمل بر ادعاهای بی پایه و عمومیت بخشی های شخصی بود. به نظر می رسد کاربران با تعریف شخصیت های مجعول برای خود و اطمینان از اینکه در پیوند با گفته ها و رفتارهایشان مورد پیگیری قرار نمی گیرند، خود را در کناره امنی احساس می کنند که امکان طرح ادعاهایی مانند موارد زیر را می یابند:

۴. الف) همه فارغ التحصیلا میرن اسنپ کار می کنن....

ب) ما چیزی به نام روش آزمون نداریم...

پ) اون کتاب بدر نخوره...

۴. ۱. ۱. ۵. رعایت آداب فضای مجازی

هر چند، بیشتر مقوله های استخراجی در پیوند با سرپیچی از آداب در فضای دیجیتال بودند، پست هایی نیز نمایانگر پای بندی به رفتار پسندیده اجتماعی و رعایت اخلاق و آداب به چشم می خورد که نمونه هایی از آن آورده می شود:

۵. الف) من از طرف ایشون عذر می خوام....

ب) لطفاً تشریف بیارید پی وی براتون می فرستم.

ج) با تشکر. همگی شب خوبی داشته باشید.

یک پیشنهاد مهم در هم کنش برخط پاسخ گویی و احساس مسئولیت است (Ribble, 2012) که در رفتار کاربرانی قابل مشاهده بود.

۴. ۱. ۲. رفتار غیر دانشگاهی

از آن جا که هر سه گروه با اهداف آموزشی ایجاد شده بودند، قانون هایی را برای حضور و مشارکت قرارداد کرده بودند. از جمله اینکه اعضا از فرستادن پست های اضافه و نامرتبط، پیوند الکترونیکی دیگر گروه ها و شبکه ها، و پیام های تبلیغی خودداری کنند. در این راستا، مقوله رفتار غیر دانشگاهی به مفهوم انجام رفتارهایی که علاوه بر سرپیچی از قانون های گروه، در خور فضای آموزشی آن نبود استخراج و با این عنوان، نام گذاری گردید.

۴.۱.۲.۱. رفتار یا واکنش نامناسب

برخی از پاسخ‌ها یا رفتارها برای فضای یک گروه دانشگاهی نامناسب بودند اما توهین‌آمیز یا بی‌ادبانه نبودند. برای نمونه، گاهی ساده‌ترین مسائل مانند آدرس یک مؤسسه یا زمان یک آزمون که با یک جستجوی ساده گوگل به جواب می‌رسید در گروه طرح می‌شد. این در حالی است که تأکید شده بود که این گونه پرسش‌ها بیان نشوند. گاهی نیز پرسش‌های برخی از کاربران بی‌پاسخ گذاشته می‌شد. هر چند، کسی راهنمایی نمی‌کرد و این موضوع سبب رنجش کاربر درخواست‌کننده می‌گردید. نادیده انگاشتن حضور و پرسش دیگر اعضا، دقیقاً برخلاف قوانین شهروندی دیجیتال است که بر پایه آن افراد باید در فضای مجازی مسئولیت‌پذیر، پاسخ‌گو و کمک‌کننده باشند. این موارد به عنوان «رفتار یا واکنش نامناسب» در پیوند با «رفتار غیر دانشگاهی» قرار گرفتند. نمونه‌های زیر نمایانگر این رفتار هستند:

۶. الف) (در واکنش به دریافت نکردن جواب پرسش) حالا بین آگه‌ها دختر پرسیده بود ده نفر جواب می‌دادن. حالا ما به سؤال پرسیدیم انگار نه انگار....

ب) بچه‌ها من تو تست زدن خوب نیستم، همیشه نصفشون غلطن، نصفشون زده.... - بی‌خیال
پ) دانشگاه خوبه (منظور از نظر کیفیت آموزشی)؟ - آره، به‌خصوص آگه مختلط باشه....

۴.۲.۱. اشتراک محتوای غیرقانونی

در مواردی، خرید و فروش پرسش‌های آزمون‌های مهم مانند آزمون‌های پایان‌سال/نیم‌سال تحصیلی و یا آزمون ورودی کنکور سراسری دانشگاه‌ها درخواست یا پیشنهاد می‌شد. هر چند، ادعای خرید و فروش این پرسش‌ها، اساساً بی‌پایه به نظر می‌رسید، ارائه موضوع‌هایی مانند نمونه‌های زیر که فعالیت‌های غیرقانونی را موجه جلوه می‌دادند، مناسب گروه نبود:

۷. الف) خلیا دنبال اینن که سؤالای کنکور رو بخرن.

ب) هر سال سؤالو می‌ره ولی به دست ما نمی‌رسه.

پ) پول خرج کن به دست می‌رسه....

در میان زبان‌آموزان رده دانشگاهی، خرید و فروش پایان‌نامه، مقاله و پروژه دانشجویی به روش مشابهی ارائه شده و مورد گفت‌وگو قرار می‌گرفت. این موارد، با وجود غیرقانونی بودن، بسیار طبیعی به نظر می‌رسیدند.

۴. ۱. ۲. ۳. گفتار ناامیدکننده

چشم انداز یادگیری زبان انگلیسی برای بسیاری از فراگیران، مهاجرت به خارج از کشور بود. در نتیجه، مفهوم بسیاری از پست‌های ارسالی مقایسه ایران با سایر کشورها و ابراز نارضایتی و ناامیدی از وضعیت کنونی کشور به ویژه از جنبه مسایل مرتبط با دانشگاه و اشتغال جوانان بود. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این گونه هستند:

۸. الف) مملکت که نیس دیوونه خونه‌س!

ب) هیچی سر جاش نیس تو این مملکت....

پ) تو کشور ما هر کی تو هر رشته‌ای رفته ناراضیه....

ت) از خیلی وقت پیش جوونا بدبخت شدن رفت.

ث) کنکور ۹۸ که بطور گسترده لو رفت، ۹۹ که قطعا میره....

این پست‌ها که محتوای بازنمایی منفی از کشور بودند علاوه بر ماهیت غیر دانشگاهی و سلیقه‌ای خود، منجر به نوعی هم‌افزایی منفی و گسترش موج ناامیدی و بدبینی می‌شدند. یکی از هدف‌های شهروندی دیجیتال، گسترش سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تفکر انتقادی در سطح‌های اجتماعی، ملی و جهانی است. به گونه‌ای که کاربران را قادر به ارزیابی منطقی شرایط موجود نماید (Bukingham, 2007; Burgess, Price, Caverly, 2012). بررسی داده‌های مرتبط با این مقوله، نمایانگر آن بود که زمینه‌ها و آموزش‌های لازم برای ایجاد این بینش جامع‌نگر و انتقادی در میان فراگیران ایرانی فراهم نشده‌است.

۴. ۱. ۲. ۴. نگارش نادرست یا ناقص واژگان

با گسترش پیوندها در شبکه‌های اجتماعی، نوشتن به زبان فارسی گفتاری بسیار رایج شده‌است. هر چند، در گروه‌های رسمی مورد بررسی از کاربران انتظار می‌رود از فارسی نوشتاری استفاده نمایند. یا اینکه حداقل از به کارگیری واژه‌ها سر باز زده و یا نگارش نادرست واژگان پرهیز کنند. نمونه‌های زیر شواهدی از رفتار غیر دانشگاهی از این جنبه است:

۹. ینی (یعنی)، اصن (اصلا) عایا (آیا)، تعوری (تئوری)، چنتا (چندتا)، راس میگه (راست می‌گه)

با وجود اینکه این نوع زبان دیجیتال^۱ به باور برخی سبب تغییر غیر اصولی و فرسایش زبانی می‌شود (Johnova, 2004; Marandi, 2011; Miriti, 2019)، کاربرد آن در محیط‌های رسمی نوعی هنجارشکنی دیجیتال (Horvath, 2019) به شمار می‌آید.

^۱ digi-language

۴.۱.۳. پست‌های بیهوده یا غیرضروری

در موارد گوناگونی، پست‌های غیرمرتبط با اهداف گروه یا غیرقابل استفاده برای همه یا بیشترین اعضا فرستاده می‌شد که در قالب زیرمقوله‌های زیر معرفی می‌شوند. این پست‌ها، وقت قابل توجهی از اعضا را صرف جستجو و پیدا کردن مبحث‌های مرتبط و مورد نیاز از میان انبوه پست‌های خارج از موضوع می‌کردند. این موضوع با نام توجه و احترام به وقت دیگر اعضا در برخی منابع مورد تأکید قرار گرفته است (Christensson, 2017; Shea & Shea, 1994).

۴.۱.۳.۱. بحث‌های انحصاری (دونفره)

۱۰. الف) من برای کنکور می‌خونم، تو کنکور خوب بودی؟
نتونستم کنکور بدم شوهر کردم.

ب) خسته ناشی! تبریک - ممنون - کنکور و ولش کن، از زندگی لذت ببر.
شوهرت نون میاره تو

پ) هم بخور و خوش باش و زندگی کن. - شوهرم میگه بشین واسه کنکور بخون.....

۴.۱.۳.۲. نقل خاطره‌ها و رخداد‌های روزانه

برخی پست‌ها نیز، شامل به اشتراک گذاشتن تجربه‌های شخصی غیرمرتبط یا رخداد‌های روزمره با همه گروه است که گاهی زمینه‌ساز بحث دامنه‌دار و خارج از هدف گروه می‌شود. گاهی مانند نمونه زیر مورد توجه اعضا قرار نمی‌گیرند:

۱۱. شاید باورتون نشه، فقط از ساعت ۶ تا ۹:۳۰ می‌خوابم. بقیه روز و دیگه منگم، خوابم نمی‌بره....

۴.۱.۳.۳. شوخی و جوک‌های ناب‌جا

«شوخی و خنده»، به خودی خود نامناسب نیست و حتی در فضای دانشگاهی، گاهی لازم به نظر می‌رسد. در واقع، تکرار بسیار جوک و شوخی، محدود شدن فعالیت برخی از اعضای گروه به ارسال جوک و یا برجسب‌های خنده‌دار سبب شد که این رفتار در دسته‌بندی جداگانه‌ای با نام «پست‌های بیهوده یا غیرضروری» قرار گیرد. موارد زیر، فقط گوشه‌ای از این نوع شوخی‌های نامرتبط است:

۱۲. الف) رشته مورد علاقه‌ت چیه؟ پول زیاد

ب) اسنپ از هر رشته و هر دانشگاهی راننده می‌گیره.

پ) رشته‌ش اقیانوس‌شناسیه. کارش هم زیر پتو، کنار بخاریه.

۴. ۱. ۳. ۴. مخالفت با پست‌های زائد و غیر ضروری

در مقابل انبوهی از پست‌ها که غیر تخصصی و نامرتبط بودند، بسیاری از آن‌ها نیز در اعتراض به حاشیه‌های زائد و فرعی و یادآوری به اعضا برای پرهیز از طرح مسائل بی‌ارتباط به هدف گروه بودند:

۱۳. الف) می‌تونید به ادمین گروه پیام بدین، این م‌آی‌دی تلگرامش.....

ب) دوستان برای مشاوره رایگان زبان انگلیسی میتونین به این سایت مراجعه کنید.....

۴. ۲. مقوله‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها

به طور کلی، مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها، در پیوند با دو سطح آگاهی از مفهوم، آداب و قواعد شهروندی دیجیتال و به‌کارگیری مؤثر و مسئولانه آن‌ها بود. این موارد در جدول (۲) نمایش داده شده‌است.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها

آداب و قواعد
به‌کارگیری درست فناوری دیجیتال
به‌کارگیری مؤثر و ایمن فناوری دیجیتال
آموزش شهروندی دیجیتال

۴. ۲. ۱. آداب و قواعد

مصاحبه‌شوندگان آگاهی چندانی نسبت به آداب و قواعد شهروندی دیجیتال نداشتند. برخی از آن‌ها اساساً به ضرورت، بر نهادن این‌گونه آداب، قاعده‌ها و قانون‌ها باور نداشتند و برخی وجود آن‌ها را ضروری می‌دانستند:

۱۴. الف) هیچ قانونی برای استفاده از اینترنت نیست. همه چی آزاده. برای چی باید قانون باشه؟ (ساره)

ب) به نظر من که آزاده، هیچ قانونی نیس. شاید ی قوانین کوچیکی باشه اما کسی اهمیت نمیده. (زهرا)

پ) تنها قانونش اینه که باید وی پی ان داشته باشی. نه قانونی هست، نه مقرراتی، نه محدودیت دیگه‌ای. (فرناز)

ت) هر کسی باید برای خودش محدودیت‌هایی برای فضای مجازی داشته باشه. (ساره)

ث) خانواده‌ها باید قانون‌های استفاده از اینترنت رو برای بچه‌ها وضع کنند. (فرناز)
ج) باید مقرراتی برای حفاظت از امنیت و فضای خصوصی افراد وجود داشته باشد. (آیلا)

۴.۲.۲. به کارگیری درست فناوری

فراگیران زبان انگلیسی، رفتار خود و دیگران را در فضای مجازی، پیامد فرهنگ عمومی جامعه، توانایی حضور به صورت گمنام و یا با هویت ساختگی، و تحت تأثیر گرایش‌های شخصی مانند حسادت، خودخواهی یا تظاهر و فخرفروشی می‌دانستند. کاوش در پیکره این پژوهش نمایانگر آن بود که رفتارهای کاربران برگرفته از آشنایی آن‌ها با هنجارها و قواعد حاکم بر فضای مجازی نیست. برای نمونه، استفاده از گوشی هوشمند در کلاس برای هدف‌های غیرآموزشی یا دریافت اینترنتی رایگان کتاب و فرآورده‌های الکترونیکی در حال تبدیل به یک فرهنگ عمومی در بین فراگیران است:

۱۵. الف) معلما هم از موبایل تو کلاس زیاد استفاده می‌کنن. هر وقت فرصت کنن استفاده می‌کنن. من ام استفاده می‌کنم. دانش آموزا زیاد استفاده می‌کنن چون هر وقت به دوستانم زنگ می‌زنم میگن سر کلاسیم ولی باز حرف می‌زنن. (سپیده)
ب) بیشتر مردم تو کشور ما همه چی رو رایگان دانلود می‌کنن. (هلنا)

۴.۲.۲. به کارگیری مؤثر و ایمن فناوری دیجیتال

در جریان‌های مصاحبه‌ها مشخص شد که فراگیران، دانش‌ناچیزی در پیوند با بهره‌گیری از ویروس کش و رمزدار کردن رایانه و گوشی هوشمند برای فراهم کردن امنیت خود داشتند. روشن است که بدون امنیت کافی، استفاده مؤثر از امکانات فضای مجازی وجود نخواهد داشت (Pruitt-Mentle, 2000). در پیوند با بهره‌گیری از وب‌گاه‌های معتبر، مصاحبه‌شوندگان با جستجوگر گوگل از منبع‌های گوناگون، اقدام به گردآوری اطلاعات می‌نمودند. از دیدگاه بیشتر آن‌ها، ویکی‌پدیا یکی از معتبرترین وب‌گاه‌های اطلاعاتی بود. در ادامه، دو نمونه از گویه‌های مرتبط در این زمینه آورده شده است:

۱۶. الف) من شنیدم که هیچ امنیتی وجود نداره و هر اتفاقی تو فضای مجازی میفته همه می‌بینن....
به نظر من هر کاری می‌تونیم انجام بدیم. (مینا)
ب) این دفعه اوله که راجع به منابع معتبر می‌شنوم. هیچ وقت بهش توجه نکرده بودم. (زهره)

۴.۲.۳. آموزش شهروندی دیجیتال

همگی مصاحبه شوندگان بر این باور بودند که چگونگی بهره‌گیری مناسب و مؤثر از امکانات و فضای مجازی به آن‌ها آموزش داده نشده است. هر چند، در موارد محدودی، آموزگاران مواردی را به دانش‌آموزان یادآوری کرده بودند مانند پرهیز از گفت‌وگو با جنس مخالف و فرستادن عکس و فیلم‌های خصوصی در فضاهای مجازی. این فراگیران معتقد بودند که برای بروز رفتارهای درست در فضای مجازی، این موضوع‌ها باید مانند درس‌های دیگر در مقطع‌های پائین‌تر به آن‌ها آموزش داده شود. نمونه‌های زیر در این زمینه، گویای مسأله هستند:

۱۷. الف) خیلی خیلی کم پیش اومده که معلما به ما اطلاعاتی داده باشن. به ما گفتن که مراقب باشیم و عکس و فیلم برای بقیه نفرستیم. (مینا)

ب) یه چیزایی گفتن. دبیرستان برای گفتن این چیزا دیگه دیره. باید زودتر و دقیق‌تر بگن چون بچه‌ها این چیزا رو خیلی زود یاد می‌گیرن. اطلاعاتی که اونا [معلمان] به ما دادن خیلی ابتدایی بود. (دینا)

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه تحلیل محتوای پیکره پژوهش، فراگیران ایرانی زبان انگلیسی، با وجود بهره‌گیری بسیار از امکانات دیجیتال و فضای مجازی، اغلب با هنجارهای شهروندی دیجیتال، آشنایی چندانی نداشتند. بر این مبنا، این فراگیران نمی‌توانند، از امکانات مورد اشاره در فعالیت‌های مجازی خود بهره‌برند. این یافته تأییدی است بر پژوهش‌های پیشین (Bullen et al., 2008; Kvavik, 2005) مبنی بر آنکه صرف بهره‌گیری از فناوری، مهارت‌های مورد نیاز فضاهای دیجیتال را ایجاد نمی‌کند و آموزش این مهارت‌ها باید قسمتی از برنامه‌های آموزشی باشد (Berson & Berson, 2003; Farmer, 2011; ISTE, 2007; Ribble et al., 2004; Bailey, 2012; Ribble, 2009; Ribble, 2011; Winn, 2012). به بیان دیگر، هر چند نسل دیجیتال، بر بلندای مهارت‌های فناورانه هستند، اما در تجزیه و تحلیل انتقادی اهداف، منابع و اعتبار فناوری که به کار می‌برند تخصصی ندارند. در واقع، این رسالت دست‌اندرکاران آموزش است که کاربرد درست و مؤثر از آن را آموزش دهند (Reimer & Reimer, 2012, p. 2217).

یافته‌های پژوهش نمایانگر آن است که فراگیران ایرانی زبان انگلیسی، زمان قابل توجهی از زندگی خود را در فضایی می‌گذرانند که پیوند آن‌ها با جامعه دیجیتال جهانی هر دم بیشتر می‌شود (Stewart, 2020). این جامعه، قواعد، هنجارها و آداب و در عین حال، ناگواری‌ها و

آسیب‌های جدی برای کاربران دارد. زبان‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش، بر پایه گفته‌های خود، بسیار کم از این موارد آگاه بودند. از دیدگاه بیشتر شرکت‌کنندگان، فضای مجازی پهنه آزادی‌های بی‌مرزی است، مگر آنکه افراد برای خود اندازه‌هایی را از جنبه اخلاقی و اعتقادی در نظر گیرند و یا دولت‌ها بازدارندگی‌هایی را به کار گیرند. همچنین، جرم‌ها و رفتارهای نادرستی که شرکت‌کنندگان از رویارویی با آن‌ها در فضای مجازی پرده برداشتند، ایجاد قانون‌های بازدارنده را تبدیل به یک درخواست عمومی نموده است. اجرایی شدن این امر نیازمند آموزش عمومی و همکاری نیروهای اجرایی در سطح گسترده است.

در فضای مجازی، شرکت‌کنندگان در مواجهه با ناگواری‌هایی قرار دارند که از برخی گونه‌های آن مانند اخاذی^۱، رخنه‌گری^۲ و کلاه‌برداری اینترنتی^۳ آسیب دیده بودند. همچنین، مشاهده رفتارهای ایشان در فضای شبکه‌های اجتماعی و گویه‌های آن‌ها در جریان مصاحبه‌ها نشان داد که خود زبان‌آموزان هم اغلب، ناگزیر به رعایت هنجارهای محیط دیجیتال نبودند. استفاده از گوشی هوشمند در کلاس برای تماشای فیلم، گوش کردن موسیقی یا گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی، بی‌احترامی، دعوا و درگیری‌های شدید لفظی، دروغ، تهمت و شایعه‌پراکنی، به کار بردن زبان محاوره‌ای در هنگام گفت‌وگوهای رسمی و حتی استفاده از واژه‌های ناشایست و ناپسند که در سایه گم‌نامی و یا شخصیت غیر واقعی کاربران کاملاً ساده شده است، برای بسیاری از کاربران چندان عجیب و ناآشنا به نظر نمی‌رسید. این دشواری‌ها در پژوهش‌های دیگر نیز به روش مشابهی به چشم می‌خورد (Ribble & Miller, 2013; Assumpcao & Sleiman, 2010; Flores & James, 2013; Davis, Katz, Santo, & James, 2010). گویا، گونه‌های مختلف کلاه‌برداری‌های اینترنتی برای شرکت‌کنندگان ناپسند بوده و مصداق جرم شمرده می‌شود. هر چند، زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی تا اندازه بسیاری عادی شده است. در این شرایط، بر نهادن قوانین بازدارنده شهروندی دیجیتال، پیشرفت سطح فرهنگ کاربران به کمک آموزش گسترده جامعه، شروع آموزش شهروندی دیجیتال از سنین ابتدایی و پرهیز از به تأخیر انداختن آن تا سنین نوجوانی و بزرگسالی، در کنار هم‌اندیشی و دوران‌دیشی جمعی کارشناسان برای ارائه راهکارهای مؤثر دیگر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی کشور و برای متولیان آموزش زبان انگلیسی - به دلیل بیناکنش گسترده زبان‌آموزان با ابزارها و کاربران دیجیتال در سراسر دنیا -

¹ cyberbullying

² hacking

³ phishing/ cyber fraud

قابل بهره‌برداری باشد. به نظر می‌رسد با آمیخته شدن هرچه بیشتر فناوری دیجیتال با زندگی زبان‌آموزان که به درستی بومی‌های دیجیتال نامیده شده‌اند، لازم است که مهارت‌های شهروندی دیجیتال در سرفصل‌های آموزش زبان به کمک فناوری^۱ مراکز آموزشی، آموزش عالی و تربیت دبیر انگلیسی گنجانده شود. همچنین، از آنجایی که مدل‌های ارائه‌شده برای شهروندی دیجیتال بر پایهٔ هنجارها و ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و نظام اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورهای دیگر نهاده شده‌اند، ارائه الگوهای بومی شهروندی دیجیتال که همخوانی فرهنگی و قابلیت پذیرش و اجرای مؤثرتری دارد پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

- کوهستانی‌نژاد طاری، آذردخت، زهرا اباذری و زهره میرحسینی (۱۳۹۷). «سواد فناوری معلمان در سند برنامه‌ریزی آموزش و پرورش حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری». *فناوری آموزش*. شماره ۱۲. دوره ۳. صص ۲۳۷-۲۴۸.
- عمادی، سیدرسول، امیررضا و کیلی‌فرد و یونس فرخنده (۱۳۹۷). «تأثیر آموزش به شیوه ترکیبی بر خلاقیت، انگیزش و یادگیری فارسی آموزان غیرایرانی». *زبان‌پژوهی*. شماره ۱۰. دوره ۲۸. صص ۲۴۱-۲۴۹.
- هومان‌فرد، محمدحامد و محمد رحیمی (۱۳۹۸). «مقایسه تأثیر بازخورد برخط معلم و هم‌تایان بر بهبود کیفیت نگارش فراگیران ایرانی زبان انگلیسی». *زبان‌پژوهی*. شماره ۱۱. دوره ۳۳. صص ۳۲۷-۳۵۲.

References

- Alvermann, D. E., & Hagood, M. C. (2000). Critical media literacy: research, theory and practice in "new times." *Journal of Educational Research*, 93, 193-205.
- Ashmeade, L. (2016). *Study of the impact of certified staff perception of digital citizenship upon teacher professional development* (PhD dissertation), Texas A & M University, Texas, USA. Retrieved from <https://0-search-proquest.com.library.acaweb.org/-docview/1885003574?accountid=9900>.
- Assumpcao, C. & Sleiman, C. (2011). Digital citizenship: a course on safe, ethical and legal Internet practices in a Brazilian middle and high school. In T. Bastiaens & M. Ebner (Eds.), *Proceedings of World Conference on Educational Multimedia, Hypermedia and Telecommunications* (pp. 309-315). Chesapeake, VA: AACE.
- Baily, G. D., & Ribble, M. S. (2007). Teaching digital citizenship: when will it become a priority for 21st century schools. *School Business Affairs*, 71(3), 11-14.
- Bennett, L., & Fessenden, J. (2006). Citizenship through online communication. *Social Education*, 70(3), 144-147.
- Berson, I. R., & Berson, M. J. (2003). Digital literacy for effective citizenship. *Social Education*, 67(3), 164-167.

¹ computer assisted language learning (CALL)

- Boyle III, C. (2010). The effectiveness of a digital citizenship curriculum in an urban school (PhD Dissertation). Johnson & Wales University, Rhode Island, USA. Retrieved from <https://0-search-proquest-com.library.acaweb.org/-docview/375485607?accountid=9900>.
- Buckingham, D. (2007). Digital media literacies: rethinking media education in the age of the Internet. *Research in Comparative and International Education*, 2(1), 43-55.
- Bullen, M., Morgan, T., Belfer, K., & Qayyum, A. (2008). The digital learner at BCIT and implications for an e-strategy. Presented at the 2008 Research Workshop of the European Distance Education Network (EDEN) "Researching and promoting access to education and training: The role of distance education and e-learning in technology-enhanced environments", October 20-22, Paris, France.
- Burgess, M. L., Price, D. P., & Caverly, D. C. (2012). Digital literacies in multiuser virtual environments among college-level developmental readers. *Journal of College Reading and Learning*, 43(1), 13-30.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: a practical guide through qualitative analysis*. California: SAGE.
- Choi, M. (2015). *Development of a scale to measure digital citizenship among young adults for democratic citizenship education* (PhD dissertation), The Ohio State University, Ohio, USA.
- Christensson, p. (2017). Netiquette definition. Retrieved from <https://techterms.com/-definition/netiquette>
- Coleman, S. (2006). Digital voices and analogue citizenship: Bridging the gap between young people and the democratic process. *Public policy research*, 13(4), 257-261.
- Davis, K., Katz, S., Santo, R., & James, C. (2010). Fostering cross-generational dialogues about the ethics of online life. *Journal of Media Literacy Education*, 2(2), 124-150.
- Dede, C. (2009). *Determining, developing, and assessing the capabilities of "future-ready" students*. Harvard: Harvard University Press.
- Emadi, S. R., Vakilifard, A., & Farkhondeh, Y. (2018). Comparing the effect of traditional and blended teaching approaches on creativity, motivation, and learning of non-Iranian learners of Persian language. *Journal of Language Research*, 10(28), 219-241 [In Persian]
- Farmer, L. (2011). *Digital citizen*. Retrieved from <<http://ecitizenship.csla.net>>
- Flores, A., & James, C. (2013). Morality and ethics behind the screen: young people's perspectives on digital life. *New Media & Society*, 15(6), 834-852.
- Hicks, D., van Hover, S., Washington, E. Y., & Lee, J. K. (2011). Internet literacies for active citizenship and democratic life. *Contemporary Social Studies: An Essential Reader*, 467-491.
- Hollandsworth, R., Dowdy, L., & Donovan, J. (2011). Digital citizenship in K-12: it takes a village. *TechTrends*, 55(4), 37-47.
- Hoomanfar, M. H. & Rahimi, M. (2018). A Comparative study of the efficacy of teacher and peer online written corrective feedback on second language learners' writing improvement. *Journal of Language Research*, 11 (33), 327-352 [In Persian].
- Horvath, J. (2019). *FOCUS in the Theory of Grammar and the Syntax of Hungarian* (Vol. 24). Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co KG.
- ISTE. (2007). *Iste nets.s: advancing digital age learning*. Retrieved from <<http://www.iste.org/docs/pdfs/nets-s-standards.pdf?sfvrsn=2>>.
- Jensen, A. P. (2008). Beyond mediated transmissions of youth culture: a study in digital citizenship. *Youth Theatre Journal*, 22(1), 94-107.
- Johnová, M. (2004). The language of chat. *Philologica.net: An Online Journal of Modern Philology*. Retrieved from < <http://philologica.net/studia/20040113000003.htm>>
- Jones, C. (2015). *Networked learning: an educational paradigm for the age of digital networks*. New York & London: Springer.
- Kirschner, P. A., & Karpinski, A. C. (2010). Facebook® and academic performance. *Computers in Human Behavior*, 26(6), 1237-1245.

- Kohestani Nejad Tari, A., Abazari, Z., & Mirhoseini, Z. (2018). Teachers' technology literacy in Iran's national curriculum on education and training in work and technology. *Journal of Technology of Education*, 12(3), 237-248 [In Persian].
- Kozinets, R. V. (2010). *Netnography: Doing ethnographic research online*. London: SAGE publications.
- Lyons, R. (2012). *Investigating student gender and grade level differences in digital citizenship behavior* (PhD dissertation), Walden University, Minnesota, USA.
- Maxwell, J. A. (2004). Using qualitative methods for causal explanation. *Field Methods*, 16(3), 243-264.
- Kennedy, G. E., Judd, T. S., Churchward, A., Gray, K., & Krause, K. L. (2008). First year students' experiences with technology: Are they really digital natives? *Educational Technology*, 24(1), 108-122.
- Khodabandeh, F. (2017). The effect of MALL-based tasks on EFL learners' grammar learning. *Teaching English with Technology*, 17(2), 29-41.
- Kvavik, R. (2005). Convenience, communications, and control: How students use technology. In D. Oblinger, & J. Oblinger (Eds.), *Educating the Net Generation* (chapter 7, pp. 7.1-7.20). USA: Educause. Retrieved from <<http://www.educause.edu/educatingthenetgen/5989>>
- Marandi, S. S. (2011). CALL101: Some basics any CALL practitioner needs to know. *Roshd FLT*, 26(1), 70-77.
- Marandi, S. S., Karimi Alavijeh, K., & Nami, F. (2015, August). Layers of CALL hegemonies: An Iranian experience. In F. Helm, L. Bradley, M. Guarda, & S. Thouësný (Eds), *Critical CALL – Proceedings of the 2015 EUROCALL Conference*, Padova, Italy (pp. 386-391). Dublin: Research-publishing.net. doi: [10.14705/rpnet.2015.000363](https://doi.org/10.14705/rpnet.2015.000363).
- Miriti, M. N. (2019). Nature in the Eye of the Beholder: A Case Study for Cultural Humility as a Strategy to Broaden Participation in STEM. *Education Sciences*, 9(4), 291.
- Moeller, S., Joseph, A., Lau, J., & Carbo, T. (2011). *Towards media and information literacy indicators*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Ohler, J. (2012). Digital citizenship means character education for the digital age. *Education Digest: Essential Readings Condensed for Quick Review*, 77(8), 14-17.
- Padrón, Y. N., Barohona, E., & Waxman, H. C. (2018). Digital citizenship. *The TESOL Encyclopedia of English Language Teaching*, 1-6.
- Payne, J. (2016). *A case study of teaching digital citizenship in fifth grade* (PhD dissertation). The University of Alabama, Alabama, USA. Retrieved from <<https://0-search-proquest-com.library.acaweb.org/docview/1877914633?accountid=9900>>.
- Prentky, M. (2001). Digital natives, digital immigrants. *On the Horizon*, 9(5), 1-6.
- Pruitt-Mentle, D. (2000). *The C3 framework: cyberethics, cybersafety and cybersecurity implications for the educational setting*. Retrieved from <<http://www.slideshare.net/johnmacasio/keepsafe-c3-competencymatrix>>.
- Reimer, T. & Reimer, F. (2012). Collaboration, community, culture, and connection in the high school Spanish classroom: promoting and developing 21st century skills through blogs and electronic pen pals. In T. Amiel & B. Wilson (Eds.), *Proceedings of World Conference on Educational Multimedia, Hypermedia and Telecommunications* (pp. 2211-2218). Chesapeake, VA: AACE.
- Ribble, M. (2004). Digital citizenship: Addressing appropriate technology behavior. *Learning & Leading with Technology*, 32(1), 6-9.
- Ribble, M. S. (2006). *Implementing digital citizenship in schools: the research, development and validation of a technology leader's guide* (PhD dissertation), Kansas State University, Kansas, USA. Retrieved from <<http://ezp.waldenulibrary.org/login?url=http://search.proquest.com.ezp.waldenulibrary.org/docview/305322283?accountid=14872>>.

- Ribble, M. (2009). Passport to digital citizenship: journey toward appropriate technology use at school and at home. *Learning & Leading with Technology*, 36(4), 14-17.
- Ribble, M. (2011). Digital Citizenship in Schools. *International Society for Technology in Education*, 32(4), 34-47.
- Ribble, M. (2012). Digital citizenship for educational change. *Kappa Delta Pi Record*, 48(4), 148-151.
- Ribble, M. (2015). *Digital citizenship in schools: nine elements all students should know*. Washington DC: International Society for Technology in Education.
- Ribble, M. S., & Bailey, G. D. (2004). Monitoring technology misuse & abuse. *T.H.E Journal*, 32(1), 22-25.
- Ribble, M. S., & Bailey, G. D. (2006). Digital citizenship at all grade levels. *Learning and Leading with Technology*, 33(6), 26.
- Ribble, M. S., Bailey, G. D. (2005). Teaching digital citizenship: when will it become a priority for 21st century schools? *School Business Affairs*, 71(3), 11-14. Retrieved from <<http://digitalcitizenship.net/uploads/TeachingDC10.pdf>>
- Ribble, M. S., Bailey, G. D., & Ross, T. W. (2004). Digital citizenship: addressing appropriate technology behavior. *Learning & Leading with Technology*, 32(1), 6-9.
- Ribble, M., & Miller, T. N. (2013). Educational leadership in an online world: connecting students to technology responsibly, safely, and ethically. *Journal of Asynchronous Learning Networks*, 17(1), 135-143.
- Robb, M. & Shellenbarger, T. (2013). Promoting digital citizenship and academic integrity in technology classroom. *The Teaching Professor*, 27 (8), 1, 4.
- Scheuermann, L., & Taylor, G. (1997). Netiquette. *Internet Research*, 7(4), 269-273.
- Shea, V., & Shea, C. (1994). *Netiquette*. San Francisco: Albion Books.
- Simsek, E., & Simsek, A. (2013). New literacies for digital citizenship. *Contemporary Educational Technology*, 4(2), 126-137
- Snyder, S. (2016). *Teachers' perceptions of digital citizenship development in middle school students using social media and global collaborative projects* (PhD dissertation). Walden University, Minnesota, USA.
- Stewart, S. (2020). Guidelines for working collaboratively in virtual teams. In C. N. Stevenson & J. C. Bauer (Eds.), *Enriching Collaboration and Communication in Online Learning Communities* (pp. 68-81). Pennsylvania: IGI Global.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed.). Los Angeles: SAGE.
- Tracy, S. J. (2013). *Qualitative research methods: collecting evidence, crafting analysis, communicating impact*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Winn, M. R. (2012). Promote digital citizenship through school-based social networking. *Learning & Leading with Technology*, 39(4), 10-13.

Research article: Digital Citizenship Perceptions and Practices among Iranian EFL Learners: A Netnographic Inquiry

Khadijeh Karimi Alavijeh¹
Atefeh Abdollahi²

Received: 05/07/2020

Accepted: 18/07/2020

Abstract

With the accelerating pace of technological enhancements such as high-speed Web services, smartphones, high-tech apps, and social networking sites, appropriate and effective methods of applying technology is an urgent need. This need is more imperative in EFL/ESL contexts since a large amount of education relies on digital sources. One way to address this need, is through introducing to the field the postmodern concept of digital citizenship which can briefly be defined as the principles of responsible and appropriate behavior in applying technology. Since Iranian EFL learners are involved in using technology more than ever before, this study aimed to investigate how they perceive and practice digital citizenship.

This was carried out through a netnographic inquiry in the context of a social networking site, called Telegram. The participants comprised 1126 female and male Iranian learners who were members of three Telegram groups. They were within an age range of 15 to 22, and from a variety of ethnicities and proficiency levels. There were two main sources of data, including Telegram group participant observations and interviews. Through the netnographic observations, about 700 screen pages of text chats were collected. Moreover, the transcripts of voice files exchanged in Telegram groups, along with research field notes and memos obtained through observations over a period of one year were added.

To address triangulation, semi-structured interviews were conducted with 10 EFL learners from the investigated groups. Inspired by Ribble's (2001) digital citizenship model, these interviews helped the researchers scrutinize into aspects of the research which could not be traced through observations alone. Accordingly, Ribbles' components including *digital etiquette, access, law, communication, literacy, commerce, rights and responsibilities, health and wellness, and safety and security*, were used as a tentative benchmark for designing interview guiding questions, to probe deeply into the issues which had proved to need more

¹ Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Alzahra University (corresponding author); karimi@alzahra.ac.ir

² MA Graduate, Department of English Language and Literature, Alzahra University; a.abdolahi@student.alzahra.ac.ir

clarifications in the course of observations. While conducting the interviews, we learnt about some points which had been left unnoticed in the observations; they made up the emerging questions which helped us enrich our findings. Since data collection procedure led to obtaining a huge body of data, for manageability reasons, only textual data were used for analysis, and other types of data such as images, videos and emojis were excluded from our analysis.

Relying on grounded theory and adopting qualitative content analysis, the obtained data were probed through the initial, axial and focused coding procedures, and emerging patterns were classified into various themes and subthemes. Ultimately, the themes extracted from the observations were decided to be: *incongruence with netiquette, misconducts in academic settings, and redundant posts*. Similarly, the main themes derived out of the in-depth interviews included *proper application of digital technology, effective application of digital technology and demand for digital citizenship education*. In all, the analysis of the entire data suggests that Iranian EFL learners are not well aware of the rules, regularities and norms of digital citizenship in spite of their wide use of digital technologies. In fact, the illusion of absolute freedom and the possibility of being *anonymous* on the Web were among the main reasons for assuming fake personalities, and behaving improperly when on the Web. More instances of their insufficient control of the topic included their lack of recognition of reliable and safe sources from fake and unreliable ones. They were unaware of cyber safety and security issues, and felt helpless in case of being threatened by/exposed to cyberbullying, hacking and cyber fraud. So far as language usage was concerned, they often used colloquial, harsh, sarcastic or disrespectful language which did not suit the digital context of formal, academic groups. Moreover, sending posts which included trivial requests, illegal debates, disappointing issues, and redundant or irrelevant topics—usually in incorrect spelling—was among their chief misconducts.

These findings highlight the need for teaching digital citizenship skills right from the early ages of schooling— rather than offering limited education of digital literacy at high schools— to keep learners safe from the threats of digital settings, and enable them to make proper, effective and responsible use of digital technologies. The findings of the present study can be useful for policy makers, ELT professionals, curriculum developers, English teachers, learners and parents. Accordingly the implementation of relevant programs into the mainstream and EFL education, and in the development of related curricula, as well as in computer assisted language leaning (CALL) and teacher education programs is highly recommend. The findings also helps teachers promote their self-awareness and appreciate the need for raising their students' digital awareness in order to become technologically literate and ethically responsible users, resisting negative consequences and hazardous risks of digital environments. Moreover, since the contemporary models of digital citizenship are rooted in foreign cultures with their particular economic, political and social policies and priorities, developing local models of digital citizenship is urgently called for.

Keywords: Digital Citizenship, Virtual Setting, English Language Teaching, Netnography, Qualitative Content Analysis